

بررسی عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در زنان شالی‌کار شهرستان رشت در سال کشت ۸۴-۸۳

نگین فلاح حقیقی

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌ی اقتصاد و توسعه‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران

دکتر شاپور ظریفیان

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران

چکیده

فرآیند تولید در بخش کشاورزی و وابستگی شدید این بخش به طبیعت و شرایط آب‌وهوایی و اثرپذیری آن از آفت‌ها و بیماری‌های نباتی، آن را متفاوت از دیگر زمینه‌های تولید و تجارت، و پرخطر و همراه با خطر برای کشاورزان ساخته‌است. این، در حالی است که گروه بزرگی از کشاورزان ما، که سه کالای بنیادی و راهبردی کشاورزی (گندم، برنج، و جو) کشت می‌کنند، خرده‌پا هستند و از این رو، در برابر نشیب و فرازهای بازارهای داخلی و رقابت‌های خارجی آسیب‌پذیر اند. بخش کشاورزی برای رسیدن به اهداف توسعه باید بتواند از ظرفیت‌های نیروی انسانی خود - که نیمی از آن زنان اند- بهره‌ی کافی ببرد. در این میان، زنان روستایی، به‌ویژه آنان که سرپرست خانوار اند، بیش از دیگران در معرض خطر و از دیدگاه اقتصادی نیز معمولاً شکننده‌تر اند. با نگرش به این که زنان، به‌ویژه در نوار شمالی ایران، بخشی عمده از کار کشاورزی را بر دوش دارند، نمی‌توان نقش و جایگاه آنان را در این بخش نادیده انگاشت.

در این پژوهش، عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در زنان شالی‌کار شهرستان رشت، در سال کشت ۸۴-۸۳ بررسی شده‌است. برای این کار، ۱۸۲ نفر از زنان شالی‌کار، از ۵ بخش این شهرستان به روش نمونه‌گیری طبقه‌ئی تصادفی گزیده‌شدند و با آنان گفت‌وگو شد. یافته‌ها نشان داد که بیش‌تر زنان شالی‌کار در برابر خطر بی‌تفاوت بودند. هم‌چنین سن، پیشینه‌ی شالی‌کاری، و شمار اعضای خانوار، رابطه‌ئی منفی و معنادار، و میزان سواد، سطح زیر کشت برنج، مقدار زمین ملکی شالی‌کار، و درآمد سالیانه از فروش برنج، رابطه‌ئی مثبت و معنادار با خطرپذیری دارد. بررسی‌های مقایسه‌ئی نیز تفاوتی معنادار در خطرپذیری شالی‌کاران با مالکیت‌های گوناگون نشان داد.

واژه‌گان کلیدی

زنان شالی‌کار؛ خطرپذیری؛

پیش گفتار

به طور کلی می‌توان گفت که شالی‌کاران خرده‌پا بخشی بزرگ از کل تولید برنج کشور را بر دوش دارند. به سخن دیگر، تولید برنج در ایران بر پایه‌ی تلاش گروهی بزرگ از کشاورزان خرده‌پا استوار است که جایگاه اقتصادی بسیار شکننده و به همان اندازه خطرپذیری کم‌تری دارند. در این میان، گذشته از شرایط بوم‌شناسانه و پیرامونی که همیشه پدیدآورنده‌ی تنگناهایی برای کشاورزان است، تأثیرپذیری از نوسان‌های قیمت در درون کشور و ناتوانی رقابت با تولیدکنندگان بزرگ‌تر نیز همیشه برای آنان مشکل‌ساز است و برای توجیه خطرناپذیری این گروه کافی می‌نماید. اما نکته‌ی مهم این است که بدون توسعه‌ی منابع انسانی، توسعه‌ی کشاورزی در هیچ یک از زیربخش‌ها شدنی نیست. یکی از سوبه‌های توسعه‌ی انسانی، با نگرش به محروم نگه داشته‌شدن زنان در سال‌های گذشته، توجه به نقش این گروه در کشاورزی و مدیریت منابع انسانی با توجه به مسئله‌ی جنسیت است؛ چرا که توان‌مندسازی زنان روستایی - با توجه به این که آن‌ها نیمی از پیکره‌ی نیروی انسانی را، به‌ویژه در کشاورزی، می‌سازند - می‌تواند ما را به اهداف توسعه‌ی روستایی و کشاورزی نزدیک سازد. یعنی باید این باور در جامعه، به‌ویژه جامعه‌ی کشاورزی ما نهادینه شود که کشاورزی بخشی از آن مردان نیست و باید در آن فرصت‌هایی برای توان‌مندسازی و شکوفایی توانایی‌های دختران و زنان روستایی فراهم آید تا ضمن کاستن از فشارهای اجتماعی، با معرفی فن‌آوری‌های نو، برای ورود زنان و دختران مستعد و علاقه‌مند به زمینه‌ها و رشته‌های مناسب زمینه‌سازی شود.

در همین راستا، این پژوهش پیمایشی برای بررسی عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در میان زنان شالی‌کار شهرستان رشت در سال کشت ۸۴-۸۳ انجام شد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، میزان نظارت، درجه‌ی کنترل متغیرها، و قابلیت تعمیم، پیمایشی است. در این پژوهش، برای بررسی نظام‌مند، بر پایه‌ی بررسی‌ها و پژوهش‌های پیشین و دیدگاه کارشناسان، فرضیه‌های زیر تدوین شد:



- ۱- سن زنان شالی‌کار با میزان خطرپذیری آن‌ها رابطه دارد.
- ۲- پیشینه‌ی شالی‌کاری با میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۳- میزان سواد زنان شالی‌کار با خطرپذیری آنان رابطه دارد.
- ۴- شمار افراد خانوار زنان شالی‌کار با خطرپذیری آنان رابطه دارد.
- ۵- سطح زیر کشت برنج با میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۶- میزان مالکیت زمین کشاورزی با خطرپذیری آنان رابطه دارد.
- ۷- میزان تولید برنج با خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۸- درآمد فروش برنج با خطرپذیری زنان شالی‌کار رابطه دارد.
- ۹- زنان شالی‌کار با مالکیت‌های متفاوت (ملکی، اجاره‌ئی، سهم‌بری، و موارد

دیگر) خطرپذیری متفاوتی نیز دارند.

با نگرش به این که مقیاس فراگیر و مناسبی برای اندازه‌گیری متغیر وابسته‌ی این پژوهش، یعنی میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار شهرستان رشت، پیدا نشد، تصمیم بر آن شد تا مقیاسی برای اندازه‌گیری این متغیر فراهم آید. برای سنجش پایایی درونی مقیاس، ضریب آلفای کرون‌باخ به کار رفت، که در نهایت، هیچ کدام از گویه‌ها حذف نشد و در مقیاس اولیه باقی ماند.

جامعه‌ی آماری این پژوهش، زنان شالی‌کار شهرستان رشت بود که در سال کشت ۸۴-۸۳ برنج کاشته‌بودند. شمار زنان شالی‌کار در شهرستان رشت، بر پایه‌ی داده‌های مرکز آمار ایران، ۵۵۳۳ نفر برآورد شد که در این پژوهش جامعه‌ی آماری شمرده‌می‌شود. برای نمونه‌گیری، ۱۸۲ نفر زن شالی‌کار از ۵ بخش شهرستان، به روش طبقه‌ئی تصادفی گزیده‌شدند. برای برآورد حجم نمونه، دستور کوکران به کار رفت. برای برآورد واریانس جامعه‌ی بررسی‌شونده، ۳۰ نفر از زنان شالی‌کار شهرستان رشت در گام نخست به شیوه‌ی تصادفی گزیده و آزموده‌شدند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و بر پایه‌ی واریانس متغیرهای وابسته، حجم نمونه ۱۸۲ نفر پذیرفته‌شد. داده‌های پژوهش، با پرسش‌نامه گردآوری شد که در بخش نخست ویژگی‌های همه‌گانی و در بخش دوم مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیر وابسته‌ی میزان خطرپذیری، و در بخش سوم متغیر درک خطر شالی‌کاران آمد.

برای سنجش روایی پرسش‌نامه، از دیدگاه‌های شماری از کارشناسان و استادان گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران استفاده شد. پایایی پرسش‌نامه نیز به روش آلفای کرون‌باخ اندازه‌گیری شد که یافته‌های آن در جدول ۱ آمده‌است.

جدول ۱- میزان آلفای کرون باخ برای گویه‌های بررسی‌شده در پرسش‌نامه‌ی پژوهش

آلفای کرون باخ	سازه
۰/۷۶	سازه‌های تعیین‌کننده‌ی میزان خطرپذیری
۰/۸۸	درک خطر

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، با بررسی‌های اسنادی و کتابخانه‌ئی، جست‌وجوی منابع الکترونیکی، و بررسی میدانی (مصاحبه) گردآوری شد. برای کندوکاو داده‌ها، روش‌های آماری گوناگونی مانند آماره‌های توصیفی و استنباطی در نرم‌افزار SPSS به کار گرفته شد.

چارچوب نظری

درباره‌ی خطر تعاریف و مفاهیم گوناگونی وجود دارد. خطر هم‌ارز فارسی واژه‌ی ریسک^۱ است. در اقتصاد کشاورزی، خطر به حالتی گفته می‌شود که در آن مقدار دقیق یک متغیر تصادفی مشخص نیست، اما توزیع احتمالی آن مشخص است (کوپاهی، ۱۳۸۲). ریسک در *واژه‌نامه‌ی وبستر*، احتمال ضرر و زیان مالی و جانی تعریف شده است (ترکمانی، ۱۳۷۷). برداشت تصمیم‌گیرنده‌گان از خطر، بر توزیع احتمالی متغیر خطری در الگوی برنامه‌ریزی آن‌ها پایه‌گذاری می‌شود و احتمال رخ دادن رویدادها، معمولاً احتمالی فردی یا ذهنی است و تصمیم‌گیرنده بر پایه‌ی تجربه‌های شخصی، درجه‌ی آگاهی، روحیه‌ی شخصی در رویارویی با خطرها و بنا بر اطلاعات موجود درباره‌ی رویداد مورد نظر، اعتماد شخصی خود را درباره‌ی احتمال رخ دادن رویداد بیان می‌کند (هازل و نورتون^۲، ۱۹۸۶).

بنابراین، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در بخش کشاورزی، گذشته از این که نیازمند آگاهی کافی از شرایط تولید و منابع موجود کشاورزی است، تا اندازه‌ی زیادی به آگاهی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران از شیوه‌ی تصمیم‌گیری کشاورزان و واکنش آن‌ها در برابر سیاست‌های پیش‌گرفته‌شده بسته‌گی دارد (رستی، ۱۳۸۳). در این میان، توجه به مسائل جنسیتی و آماربرداری بر پایه‌ی تفاوت‌های جنسیتی موجب می‌شود توجه بیشتری به زنان که تا کنون هم‌چون نیمه‌ی فراموش‌شده‌ی اجتماع بوده‌اند شود و نیازسنجی‌ها بنا بر تفاوت‌های زنان و مردان انجام گیرد.

1. Risk (Etymology: French *Risque*, from Italian *Risco*)

2. Hazell, Peter B. R., and Norton, Roger D.



از دیدگاه بیمه، خطر، نادانسته بودن رخ دادن رویدادهای زیان‌بار است و معرف نادانسته‌گی رخ دادن رویداد است، نه زیان یا علت و احتمال آن (دریجانی و قربانی، ۱۳۷۷). خطر، انحراف در پیش‌آمدهای ممکن که در موقعیتی معین وجود دارد، تعریف شده است (ویلیامز و هم‌کاران^۱، ۱۹۹۳).

بخش کشاورزی، نقشی مهم در اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارد. فعالیت در این بخش در میان دیگر بخش‌های مختلف اقتصادی، به علت شرایط خاص حاکم بر آن، همواره با خطر و ناپایداری همراه بوده است و بهره‌برداران کشاورزی به خاطر اطمینان نداشتن به درآمد خود، نگران بازپرداخت وام، پرداخت هزینه‌های ثابت (اجاره زمین و مالیات)، و در بسیاری از موارد پرداخت هزینه‌های زنده‌گی اند (محمودزاده، ۱۳۸۳). زنان نیز که بخش آسیب‌پذیر جامعه اند بی‌گمان توان پذیرش خطر کم‌تری را خواهند داشت، به‌ویژه اگر مسئولیتی هم‌چون سرپرستی خانوار را نیز داشته باشند.

نگرش به این مسائل، سیاست‌گذاران را وا می‌دارد تا با دست‌یابی به شناخت بهتر از شیوه‌ی تصمیم‌گیری بهره‌برداران در شرایط همراه با خطر، در برخورد با خطرهای احتمالی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را پیش گیرند که دربرگیرنده‌ی یافته‌های پژوهش‌ها در زمینه‌ی تحلیل‌های جنسیتی باشد که دست‌یابی به اهداف توسعه‌ی کشاورزی را آسان می‌سازد. شناسایی خطر، به طور عمده، از راه تجربه به دست می‌آید. تجربه‌های گذشته و طرح‌های آزمایشی مهم‌ترین منابع شناسایی خطر به شمار می‌رود، ولی امروزه با مدل‌سازی رایانه‌ئی و ارزیابی نتایج آن می‌توان با هزینه و در زمان کم‌تر خطر را شناسایی و حتی روش‌های رویارویی با آن را ارزیابی کرد (فهیم، ۱۳۸۳). مجموعه‌ی این خطرهای طبیعی، اجتماعی، و اقتصادی، شرایط را برای تولیدکننده‌گان بخش کشاورزی آسیب‌پذیر می‌سازد که نتیجه‌ی پایانی آن ناپایداری درآمد برای تولیدکننده‌گان (به‌ویژه زنان) است (ری^۲، ۱۹۶۷).

به طور کلی، خطرهای تهدیدکننده‌ی واحدهای تولیدی در بخش کشاورزی را می‌توان به پنج دسته بخش‌بندی کرد:

۱- **خطرهای تولید**- مهم‌ترین خطرهای تولید را می‌توان چنین برشمرد: شرایط نامناسب جوی، آفت‌ها و بیماری‌ها، تداخل فن‌آوری با کشاورزی، عوامل مدیریتی، مشکلات ژنتیکی، و کیفیت نداشتن نهاده‌ها. البته بسته به نوع کشت و مدیریت

1. Williams, Jeffery R., Carriker, Gordon L., Barnaby, G. Art, and Harper, Jayson K.

2. Ray, Parimal Kumar

کشتزار و گونه‌ی پرورشی، عوامل زیان‌بار و شدت تأثیر آن‌ها متفاوت است (فهیم‌ا، ۱۳۸۳). خطر تولید را می‌توان با در نظر گرفتن تابع تولید زیر به گونه‌ئی به‌تری دریافت (سناخیان^۱، ۱۹۸۸).

$$y = f(X_1, X_2, \dots, X_{n-1}, X_n; X'_1, X'_2, \dots, X'_{n-1}, X'_n; X''_1, X''_2, \dots, X''_{n-1}, X''_n)$$

در تابع بالا y مقدار تولید و X_i ها مقادیر نهاده‌ها را نشان می‌دهد که در سه گروه دسته‌بندی شده‌است:

$X_1, X_2, \dots, X_{n-1}, X_n$ نهاده‌های تصمیم‌گیری است که مقدارشان در دست کشاورز یا تصمیم‌گیرنده است؛ مثل میزان کود مصرفی در طول دوره‌ی کشت.

$X'_1, X'_2, \dots, X'_{n-1}, X'_n$ نهاده‌های ازپیش‌تعیین‌شده است که مقدارشان در زمان تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیرنده مشخص است و تصمیم‌گیرنده می‌تواند اطلاعات کنونی را درباره‌ی مقدار آن‌ها به کار گیرد؛ اما معمولاً کنترلی بر مقدارشان ندارد؛ مثل نیروی کار خانواده‌گی یا ماشین‌ابزار کشاورز.

$X''_1, X''_2, \dots, X''_{n-1}, X''_n$ نهاده‌های خطری (نامطمئن) است که مقدارشان در زمان تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیرنده نامشخص است و بنابراین تصمیم‌گیرنده توانایی به‌کارگیری آن‌ها را ندارد و در این باره کنترلی نیز ندارد؛ مثل میزان بارنده‌گی، دما، و میزان تابش خورشید (رستمی، ۱۳۸۳).

۲- خطرهای بازار- تغییر در بهای نهاده‌ها و ستانده‌ها، تغییر در الگوی مصرف، تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی مانند کاهش توان خرید مردم و عواملی مانند این‌ها در دسته‌ی خطرهای بازار جای می‌گیرد. این در حالی است که روند جهانی شدن اقتصاد نیز تأثیرهای گوناگونی بر بازارهای داخلی فرآورده‌های کشاورزی، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه بر جای گذاشته‌است (فهیم‌ا، ۱۳۸۳).

بهای فرآورده‌ها، جز در موارد استثنایی، چندان کنترل‌شدنی نیست. بهای فرآورده‌های کشاورزی از سالی به سال دیگر و از فصلی به فصل دیگر تغییر می‌کند. به هر رو، از زمان کشت فرآورده تا برداشت آن، که معمولاً ۶ ماه یا بیش‌تر طول می‌کشد، ممکن است دگرگونی‌های اساسی در بهای فرآورده‌ها رخ دهد. گروهی دیگر از خطرهایی که از بها سرچشمه می‌گیرد، خطرهای برآمده از بهای نهاده است. اگر بهای نهاده‌ها تغییر کند، هزینه‌ی کل فرآورده تغییر می‌کند که نتیجه‌ی نوسان در



هزینه‌ی کل، ناپایداری در درآمد خالص کشاورز خواهد بود. اما با فرض وجود خطر تولید و بهاء، امکان دارد که قانون عرضه صادق نباشد و عرضه‌ی محصول به عواملی دیگر مانند درجه‌ی خطرپذیری، توزیع احتمالی بهاء و کارکرد، و هم‌بستگی بهاء و کارکرد بسته‌گی داشته‌باشد که بر روی هم می‌تواند با قانون عرضه ناهم‌سو شود (جاست و زیلبرمن^۱، ۱۹۸۶).

۳- خطرهای مالی- پیش‌بینی نکردن پشتوانه‌های مالی کافی برای رویارویی با هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده و برآورد نادرست هزینه‌ها و درآمدها، مهم‌ترین عوامل مؤثر در این دسته از خطرها به شمار می‌رود (فهیما، ۱۳۸۳). البته، خطر مالی در برابر خطر تولید و بازار اهمیت کم‌تری دارد؛ چرا که همه‌ی کشاورزان برای انجام برنامه‌های خود از وام و اعتبارها استفاده نمی‌کنند. البته میزان مصرف نهاده‌ها در شرایط وجود خطر با میزان مصرف در شرایط اطمینان یکسان نیست و افزون بر بهای ستانده‌ها و نهاده‌ها و سطح تولید، به عوامل گوناگونی مانند واریانس بهای فرآورده، درجه‌ی خطرپذیری، و سهم نهایی نهاده‌ها در واریانس تولید بسته‌گی دارد (رابینسون و بری^۲، ۱۹۸۷).

۴- خطرهای منابع انسانی- کم‌کاری، نارضایتی، بی‌دقتی، ناآگاهی، و کم‌تجربه‌گی کارکنان، همه از عواملی است که بالقوه تولید را تهدید می‌کند (فهیما، ۱۳۸۳).

۵- خطرهای مربوط به قوانین و مقررات دولتی و منطقه‌ئی در زمینه‌ی کشاورزی- دگرگونی قوانین و مقررات خرید. تضمینی و صادرات فرآورده‌های کشاورزی، دگرگونی الگوی پرداخت یارانه‌های دولت، دگرگونی مقررات و قوانین کار و کارگری، شرایط دریافت وام و تسهیلات، و حتا دگرگونی مقررات و شرایط بیمه‌ی فرآورده‌های کشاورزی، همه‌گی در این دسته جای دارند (فهیما، ۱۳۸۳). البته نقش و میزان اهمیت هر یک از منابع خطر بسته به شرایط مکانی، زمانی، و سیاست‌های دولت در هر کشوری متفاوت است (کیانی راد و یزدانی، ۱۳۸۲).

در آمریکا نیز تولیدکنندگان فرآورده‌های کشاورزی (اعم از زنان و مردان) عوامل زیر را مهم‌ترین عوامل مخاطره‌آمیز برشمردند: (۱) کاهش کارکرد فرآورده؛ (۲) اطمینان نداشتن به بهای فرآورده؛ (۳) توانایی سازگاری با فن‌آوری نو؛ (۴) مسائل مالکیت؛ (۵) دگرگونی سلیقه‌ی مصرف‌کنندگان؛ و (۶) دگرگونی قوانین و مقررات دولتی (هاروود و هم‌کاران^۳، ۱۹۹۹).

1. Just, Richard E., and Zilberman, David

2. Robinson, Lindon J., and Barry, Peter J.

3. Harwood, Joy, Heifner, Richard, Coble, Keith, Perry, Janet, and Somwaru, Agapi

با نگرش به اهمیت خطرپذیری کشاورزان، با آن چه گفته شد، در این پژوهش تلاش شده است تا با الهام از نگره پردازی‌ها درباره‌ی خطر، عوامل مؤثر بر خطرپذیری و درک خطر در زنان شالی‌کار شهرستان رشت در سال کشت ۸۴-۸۳ بررسی شود.

یافته‌ها

بر پایه‌ی یافته‌ها، میانگین سن پاسخ‌گویان ۴۱/۹۳ سال بود. میانگین پیشینه‌ی شالی‌کاری ۲۰/۲۹ سال به دست آمد. میانگین شمار اعضای خانوار ۶ نفر بود و نما (مد) برای این متغیر ۴ نفر به دست آمد. پراکنده‌گی متغیرهای میزان سواد، وضعیت شغل، نوع مالکیت شالیزار، مشارکت اجتماعی، و فعالیت‌های کشاورزی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- پراکنده‌گی متغیرها در زنان شالی‌کار

متغیر	درصد	
میزان سواد	بی‌سواد	۲۷/۵٪
	خواندن و نوشتن	۱۹/۸٪
	در سطح راهنمایی	۱۷/۶٪
	در سطح دبیرستان	۲۴/۲٪
	دیپلم و بالاتر از دیپلم	۱۱/۰٪
وضعیت شغل کشاورزی	شغل اصلی	۶۳/۷٪
	شغل فرعی	۳۶/۳٪
نوع مالکیت شالیزار	ملکی	۶۴/۸٪
	سه‌م‌بری	۲۲/۰٪
	اجاره‌ئی	۱۳/۲٪
مشارکت اجتماعی	عضو شرکت تعاونی روستایی	۱۳/۲٪
	کشاورز نمونه	۶/۶٪
	موقعیت‌های اجتماعی دیگر	۴۸/۴٪
	بدون مشارکت اجتماعی	۳۱/۹٪
دیگر فعالیت‌های کشاورزی	گاوداری	۸/۸٪
	پرورش ماهی	۳/۳٪
	پرورش کرم ابریشم	۶/۶٪
	پرورش زنبور عسل	۴/۴٪
	فقط شالی‌کاری	۴۰/۷٪

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۵۹/۳ درصد از زنان شالی‌کار پاسخ‌گو، روی شالیزارهایی با گستره‌ی کمتر از ۲ هکتار کار می‌کردند و میانگین گستره‌ی شالیزارها



۲/۲ هکتار بود. هم‌چنین گستره‌ی کل زمین کشاورزی برای ۸۴/۶ درصد از زنان شالی‌کار کمتر از ۲ هکتار بود. میانگین این متغیر ۱/۶ هکتار و مقدار نما (مد) ۰/۵ هکتار به دست آمد.

۵۱/۶ درصد از زنان شالی‌کار پاسخ‌گو، کمتر از ۲ تن برنج سال یادشده تولید کرده‌بودند. البته، بیشتر آنان چنین بازگو کردند که این برنج بیشتر برای مصرف خانوار و خودمصرفی است.

میانگین درآمد درآمد شالی‌کاران از فروش برنج ۱'۸۰۰'۰۰۰ تومان در سال به دست آمد.

برای برآورد میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار شهرستان رشت، آنان به ۱۱ گویه‌ی پرسش‌نامه (جدول ۲). پاسخ گفتند. پاسخ گویه‌ها با طیف پنج‌درجه‌ئی لیکرت (کاملاً مخالف ام؛ مخالف ام؛ نظری ندارم؛ موافق ام؛ و کاملاً موافق ام) درجه‌بندی شد. برای گویه‌های دارای سوگیری مثبت به خطرپذیری، با نمره‌دهی افزایشی، نمره‌ی ۱ تا ۵ به هر یک از پاسخ‌ها داده‌شد و برای گویه‌های دارای سوگیری منفی، این نمره‌دهی به صورت کاهشی و از ۵ تا ۱ بود. بدین سان، از برهم‌نهی نمره‌ی گویه‌ها، هر یک از شالی‌کاران نمره‌ی کلی بین ۱۱ تا ۵۵ به دست آوردند.

سپس، شالی‌کاران پاسخ‌گو بر پایه‌ی نمره‌ی کل، در سه گروه خطرگریز (نمره‌ی ۱۱ تا ۲۵)، بی‌تفاوت به خطر (نمره‌ی ۲۶ تا ۴۰)، و خطرپذیر (نمره‌ی ۴۱ تا ۵۵) دسته‌بندی شدند.

جدول ۳- گویه‌های پرسش‌نامه‌ی میزان خطرپذیری شالی‌کاران

شماره	گویه
۱	من در هر شرایطی به شالی‌کاری ادامه خواهم داد.
۲	اگر بهای برنج کاهش یابد، به جای برنج فرآورده‌ی دیگری خواهم کاشت.
۳	ادامه‌ی کشت برنج بسته‌گی به استفاده از علف‌کش دارد.
۴	در شالی‌کاری باید ماشین‌ابزار کشاورزی را به کار گرفت.
۵	برای شالی‌کاری باید سم‌های ضدآفت و بیماری‌ها را به کار برد.
۶	بدون کود شیمیایی نمی‌توان برنج کاشت.
۷	بدون دریافت اعتبارهای دولتی نمی‌توانم کشت برنج را ادامه دهم.
۸	شرکت در کلاس‌های آموزشی کمک زیادی به حل مشکلات‌ام می‌کند.
۹	ترجیح می‌دهم نمونه‌های پرمحصول برنج را بکارم.
۱۰	بدون کمک کارشناسان ترویج با مشکلات فراوانی در شالی‌کاری روبه‌رو می‌شوم.
۱۱	روش‌های جدید شالی‌کاری را به روش‌های سنتی ترجیح می‌دهم.

جدول ۴ توزیع فراوانی گروه‌بندی زنان شالی‌کار را بر پایه‌ی میزان خطرپذیری نشان می‌دهد. هم‌چنان که دیده‌می‌شود ۱۴/۳ درصد زنان در گروه افراد خطرگریز، ۶۸/۱ درصد در گروه افراد بی‌تفاوت به خطر، و ۱۷/۶ درصد در گروه خطرپذیران جای گرفته‌اند و بیش‌تر شالی‌کاران، نسبت به خطر بی‌تفاوت بوده‌اند.

جدول ۴- توزیع فراوانی گروه‌بندی زنان شالی‌کار بر اساس میزان خطرپذیری

گروه	فراوانی	درصد
خطرگریز	۲۶	۱۴/۳٪
خنثی به خطر	۱۲۴	۶۸/۱٪
خطرپذیر	۳۲	۱۷/۶٪
جمع	۱۸۲	۱۰۰٪

همانند یافته‌های توصیفی میزان خطرپذیری، پرسش‌نامه‌ئی برای برآورد درک خطر در زنان شالی‌کار فراهم‌آمد که دارای ۱۲ گویه بود (جدول ۵).

جدول ۵- گویه‌های پرسش‌نامه‌ی درک خطر در زنان شالی‌کار

شماره	گویه
۱	خشکی و کم‌آبی
۲	بارنده‌گی‌های ناهنگام
۳	برداشت دیر هنگام
۴	به‌کارگیری بذرها بومی
۵	به‌کارگیری علف‌کش‌های نو
۶	به‌کارگیری کودهای شیمیایی نو
۷	به‌کارگیری سم‌های نو
۸	نشای برنج با دست
۹	ارتباط نداشتن با کارشناسان و مروجان کشاورزی
۱۰	بیمه نکردن فرآورده
۱۱	عضویت نداشتن در شرکت‌های تعاونی روستایی
۱۲	به‌کارگیری روش‌های نوین کشت

پس از پاسخ‌گویی زنان شالی‌کار به گویه‌ها، میزان ضریب تغییر برای هر یک از گویه‌ها برآورد شد که مقایسه‌ی آن‌ها با یک‌دیگر نشان‌دهنده‌ی تقدم و تأخر هر یک از گویه‌ها در درک آن خطر توسط زنان شالی‌کار است (جدول ۶). هم‌چنان که دیده‌می‌شود، زنان شالی‌کار پاسخ‌گو، خشکی و کم‌آبی و بارنده‌گی‌های ناهنگام را مهم‌ترین عوامل خطرزا شمرده‌اند. بنابراین، عوامل طبیعی و آب‌وهوایی از دیدگاه آنان



مهم‌ترین عوامل خطر است و پس از آن، به‌ترتیب ارتباط نداشتن با کارشناسان و مروجان کشاورزی، عضویت نداشتن در شرکت‌های تعاونی روستایی، به‌کارگیری بذرها بومی، به‌کارگیری علف‌کش‌های نو، بیمه نکردن فرآورده، به‌کارگیری روش‌های نوین کشت، نشای برنج با دست، به‌کارگیری سم‌های نو، به‌کارگیری کودهای شیمیایی نو، و برداشت دیرهنگام مهم‌ترین عوامل خطرزا دانسته‌شد.

جدول ۶- اولویت‌بندی عوامل خطرزا از دیدگاه شالی‌کاران بر اساس ضریب تغییر

اولویت	گویه	ضریب تغییر
۱	خشکی و کم‌آبی	۰/۰۸
۲	بارنده‌گی‌های ناهنگام	۰/۰۹
۳	ارتباط نداشتن با کارشناسان و مروجان کشاورزی	۰/۱۱
۴	عضویت نداشتن در شرکت‌های تعاونی روستایی	۰/۱۳
۵	به‌کارگیری بذرها بومی	۰/۱۷
۶	به‌کارگیری علف‌کش‌های نو	۰/۱۹
۷	بیمه نکردن فرآورده	۰/۲۱
۸	به‌کارگیری روش‌های نوین کشت	۰/۲۳
۹	نشای برنج با دست	۰/۲۷
۱۰	به‌کارگیری سم‌های نو	۰/۲۹
۱۱	به‌کارگیری کودهای شیمیایی نو	۰/۳۰
۱۲	برداشت دیرهنگام	۰/۳۵

آزمون /اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان، هم‌بستگی سن زنان شالی‌کار با میزان خطرپذیری آن‌ها منفی و معنادار است ($r = -0.287$)؛ یعنی با افزایش سن زنان شالی‌کار میزان خطرپذیری آنان کاهش می‌یابد. این نشان می‌دهد که باید در زمینه‌ی فعالیت‌های مربوط به دختران و زنان جوان سرمایه‌گذاری شود؛ مانند برگزاری دوره‌های آموزشی برای آماده‌سازی ذهن و اندیشه‌ی آنان برای پذیرش دگرگونی‌های لازم در پیش‌برد اهداف جامعه. هم‌چنین این سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی مسائلی که نیازمند خطرپذیری بالا است می‌تواند اثرگذارتر و دارای نقشی مهم در پیش‌برد اهداف جامعه باشد.

از سوی دیگر، آزمون /اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان زنانی که پیشینه‌ی بیشتری در کشت برنج دارند و با روش‌های سنتی برنج می‌کارند، خطرپذیری کم‌تری دارند ($r = -0.207$). این یافته با یافته‌ی پیشین نیز درباره‌ی سن شالی‌کاران هم‌خوانی دارد.

آزمون اسپیرمن هم‌چنین نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان زنان شالی‌کاری که سواد بیشتری دارند خطرپذیرتر اند و این بدان معنا است که در جامعه‌ی بررسی‌شده با افزایش سطح تحصیلات و در پی آن آگاهی افراد، میزان خطرپذیری افزایش می‌یابد ($r = 0/169$ و $P = 0/034$). بنابراین، با اندیشیدن درباره‌ی راه‌کارهایی برای آگاه‌سازی هر چه بیشتر زنان و توجه به امر آموزش آنان، می‌توان گامی در راستای توان‌مندسازی آنان و در پی آن توان‌مندشدن جامعه برداشت.

آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان، هم‌بستگی شمار اعضای خانوار تحت سرپرستی زنان با خطرپذیری آنان منفی و معنادار است ($r = -0/156$). پیدا است که کسانی که افراد بیشتری را سرپرستی می‌کنند می‌توانند از لحاظ اقتصادی در فراهم‌آوری نیازهای زنده‌گی، شکننده‌تر از افرادی باشند که خانوار کوچک‌تری دارند و این می‌تواند توجیه‌کننده‌ی خطرپذیری کم‌تر آنان باشد.

آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان، هم‌بستگی سطح زیر کشت برنج با میزان خطرپذیری زنان شالی‌کار مثبت و معناداری است ($r = 0/210$ و $P = 0/003$). به سخن دیگر، شالی‌کارانی که سطح زیر کشت برنج بیشتری دارند خطرپذیرتر اند؛ چون از لحاظ اقتصادی توان‌مندتر هستند و خطرهای برآمده از شکست را نیز آسان‌تر می‌توانند تحمل کنند.

آزمون اسپیرمن هم‌چنین نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان زنانی که مالک زمین بیشتری هستند خطرپذیری بالاتری نیز دارند ($r = 0/312$)؛ بنابراین، کشاورزانی که زمین بیشتری دارند، به رویارویی با خطر در قبال مقدار ثابتی نهاده‌گرایش بیشتری دارند.

آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان هم‌بستگی میزان تولید برنج با خطرپذیری زنان شالی‌کار مثبت و معناداری است ($r = 0/246$ و $P = 0/001$). سرانجام، آزمون اسپیرمن نشان داد که با ۹۹ درصد اطمینان زنانی که درآمدشان از فروش برنج بیشتر است خطرپذیرتر اند ($r = 0/352$). با توجه به این که یکی از زمینه‌ها و شرایط لازم برای رویارویی با خطر توان اقتصادی است، منطقی می‌نماید که با بالا رفتن درآمد، میزان خطرپذیری نیز افزایش یابد.

بررسی‌های مقایسه‌ئی با آزمون کروسکال/ولیس نیز نشان داد که با ۹۵ درصد اطمینان، زنان شالی‌کار با مالکیت‌های گوناگون (ملکی، سهم‌بری، و اجاره‌ئی)، در خطرپذیری با هم تفاوتی معنادار دارند.



نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که بیش‌تر زنان شالی‌کار شهرستان رشت بی‌سواد بودند و این برخاسته از هنجارهای اجتماعی حاکم بر منطقه و محروم نگاه داشتن زنان از لحاظ فرهنگی و سویه‌های دیگر، و دسترسی نداشتن آنان به امکانات آموزشی است. بنابراین، تدوین برنامه‌هایی هم‌آهنگ با سطح سواد و آگاهی زنانی که تحصیلات کم‌تری دارند و فراهم آوردن امکاناتی که نتایج و پی‌آمدهای نوآوری‌ها را برای‌شان دیدنی‌تر سازد، می‌تواند در این زمینه سودمند باشد.

از سوی دیگر، معنادار بودن هم‌بستگی میزان سواد با خطرپذیری شالی‌کاران، نشان می‌دهد که زنان به خاطر آگاهی نداشتن کافی از پی‌آمدهای کاربرد نوآوری، با آن مخالفت می‌کنند و در صورت فراهم آمدن شرایط و آگاه‌سازی آنان به‌وسیله‌ی فعالیت‌های ترویجی، مانند نمایش طریقه‌ئی، نمایش نتیجه‌ئی، تهیه‌ی آگهی، نمودار، و بروشور، و به‌کارگیری توان رسانه‌های همه‌گانی، مانند رادیو و تلویزیون، می‌توان برای جلب هر چه بیش‌تر آنان در پذیرش نوآوری‌ها و برخورد منطقی‌تر با عوامل خطرزا تلاش نمود. البته با توجه به این که زنان مدیران خانواده شمرده می‌شوند و به‌ویژه در شمال کشور و در بخش بررسی‌شده، زنان نفوذ زیادی در اعضای خانواده دارند، فراهم آوردن زمینه‌های آموزشی برای زنان، می‌تواند راهی میان‌بر برای مروجان و دست‌اندرکاران دیگر باشد و به دست‌یابی آنان به اهداف‌شان کمک رساند.

افزون بر این، میانگین سن زنان شالی‌کار نزدیک به ۴۲ سال بود که نشان‌دهنده‌ی گرایش نداشتن جوانان و دختران روستایی به مشارکت در کار شالی‌کاری به دلایل شخصی و اجتماعی و به‌صرفه‌نبودن کشاورزی از دیدگاه آنان، و گونه‌ئی پیرگرایی در این بخش، و افت انگیزش جوانان برای ماندن در روستاها و انجام کارهای کشاورزی است. با توجه به میانگین و بازه‌ی سنی شالی‌کاران، و هم‌بستگی منفی و معنادار متغیر سن با میزان خطرپذیری، پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران با پی‌گرفتن راه‌بردها و سیاست‌های حمایتی و تشویقی، راه‌کارهای مناسبی برای پستی بانی جامعه‌ی زنان شالی‌کار و جذب دختران به کشاورزی و زمینه‌های پیوسته با آن فراهم آورند. هم‌چنین شمار زیادی از زنان پاسخ‌گو، شالی‌کاری را شغل اصلی و تنها منبع درآمد خود شمرده‌بودند که با توجه به این که برخی از آنان سرپرست خانوار نیز بودند و گستره‌ی اندک زمین شالی‌کاری که در اختیار داشتند، در وضعی بسیار سخت به سر می‌بردند و از لحاظ

اقتصادی بسیار شکننده بودند. در این باره نیز بخش بیمه می‌تواند با ارائه خدمات و بیمه کردن فرآورده، زمین، و در صورت نیاز درآمد، پشتوانه‌ئی برای کشاورزان باشد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که ۶۴/۸ درصد از زنان شالی‌کار صاحب زمین‌های شالی‌کاری بودند و می‌توانستند همگی محصول را برای خود بردارند. در مالکیت‌های از گونه‌ی سهم‌بری، شالی‌کاران بایست نیمی از محصول را به صاحب زمین می‌دادند، و در زمین‌های اجاره‌ئی نیز افراد بایست اجاره‌بها را در زمان مقرر به صاحب زمین می‌دادند، چه سود می‌کردند و چه زیان. هم‌چنان که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، هم‌بسته‌گی گونه‌ی مالکیت زنان شالی‌کار با میزان خطرپذیری آنان معنادار است. نزدیک به ۶۰ درصد شالی‌کاران، شالیزارهایی کوچک‌تر از ۲ هکتار داشتند که نشان‌گر ضعف اقتصادی و در پی آن کاهش خطرپذیری‌شان بود. میزان درآمد آنان نیز با توجه به سن بالا از یک سو و بزرگی خانوارهایشان از سوی دیگر، کم بود. در این باره نیز پیشنهاد می‌شود که دولت تسهیلاتی مانند وام‌های بلاعوض و وام‌های بی‌بهره یا کم‌بهره با اقساط بلندمدت به زنان شالی‌کار بدهد که می‌تواند برای کمک به این گروه محروم بسیار سودمند باشد.

گذشته از آنچه گفته‌شد، در نظر گرفتن برنامه‌هایی برای توان‌مندسازی زنان شالی‌کار روستایی برای دستیابی‌شان به پایگاه اقتصادی-اجتماعی شایسته‌ی آنان، باید در دستور کار دست‌اندرکاران باشد؛ چرا که جامعه‌ئی با زنان آگاه‌تر و توان‌مندتر، فرزندان و جوانانی آگاه‌تر نیز خواهدداشت و دستیابی به شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در چنین جامعه‌ئی آسان‌تر خواهدبود. طراحی، گردآوری، و انجام برنامه‌هایی هم‌آهنگ با نیازهای بنیادی زنان، همراه با مشارکت دادن و نیازسنجی درست آنان، و سرانجام ارزش‌یابی برنامه‌ها با کمک زنان، راه‌کاری بسیار سودمند برای اقتضایی ساختن برنامه‌ها است.

یافته‌های برآمده از تعیین میزان خطرپذیری شالی‌کاران بررسی‌شده نشان داد که بیش‌تر زنان شالی‌کار در گروه «بی‌تفاوت به خطر» جای می‌گیرند. پس از این گروه، افراد «خطرپذیر» پرشمارتر اند و سپس افراد «خطرگریز». این نشان می‌دهد که جامعه‌ی بررسی‌شده دربرگیرنده‌ی کسانی است که بیش‌تر به پذیرش فن‌آوری‌های نو گرایش دارند و با فراهم آمدن زمینه و شرایط لازم، نوآوری‌های معرفی‌شده را خواهندپذیرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود که پیش از معرفی هر نوآوری، امکانات لازم



برای آن فراهم آید و آگاهی‌های لازم به افراد داده‌شود. این کار نیازمند توجه بیشتر به فعالیت‌های ترویج و آموزش کشاورزی به‌ویژه در زمینه‌ی شالی‌کاری است. اولویت‌بندی عوامل خطرزا از دیدگاه شالی‌کاران نشان داد که آنان رویدادهای طبیعی و شرایط دگرگون‌شونده‌ی آب و هوایی را مهم‌ترین عواملی برمی‌شمارند که آنان را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که بخش بیمه با پشتیبانی مطلوب‌تر شالی‌کاران در هنگام رویارویی با خطر، آنان را پوشش دهد تا با اطمینان خاطر بیشتری نوآوری‌ها را بپذیرند و خطر کم‌تری احساس کنند.

منابع

- ۱- ترکمانی، ج. ۱۳۷۷. تحلیل اقتصادی تولید و بازررسانی انجیر در ایران. صص. ۳۹-۴۸ در *مجموعه مقالات دومین گردهم‌آبی اقتصاد کشاورزی ایران*. تهران: دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۲- دریجانی، ع. و م. قربانی. ۱۳۷۷. عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه‌ی گندم در استان مازندران. صص. ۱۶-۲۶ در *مجموعه مقالات دومین گردهم‌آبی اقتصاد کشاورزی ایران*. تهران: دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۳- رستمی، ف. ۱۳۸۳. *مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانواده‌گی (مطالعه‌ی موردی شهرستان هرسین)* [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی]. تهران: دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۴- فهیم، ا. / (۱۳۸۳). راه‌های رویارویی با خطرات تهدیدکننده‌ی واحدهای تولیدی کشاورزی از دیدگاه مدیریت ریسک. *فصل‌نامه‌ی پژوهشی صندوق بیمه‌ی محصولات کشاورزی* (۲): ۶۱-۶۹.
- ۵- کوپاهی، م. ۱۳۸۲. *برنامه‌ریزی خطی* [جزوه‌ی درسی]. تهران: گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۶- کیانی راد، ع. و س. یزدانی. ۱۳۸۲. مدیریت ریسک و بیمه‌ی محصولات کشاورزی کشاورزی: تجارب و آموزه‌ها. در *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس دوسالانه‌ی انجمن اقتصاد کشاورزی ایران*. تهران: دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران.
- ۷- محمودزاده، ر. ۱۳۸۳. گرایش به ریسک. *فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۱۶(۱۶): ۹۵-۱۰۳.
- 8- Harwood, Joy, Richard Heifner, Keith Coble, Janet Perry, and Agapi Somwaru. 1999. *Managing Risk in Farming: Concepts, Research, and Analysis*. Agricultural Economics Report No. 774. Washington, DC: United States Department of Agriculture.
- 9- Hazell, Peter B. R., and Roger D. Norton. 1986. *Mathematical Programming for Economic Analysis in Agriculture (Biological Resource Management)*. New York: McMillan Publishing Company.
- 10- Just, Richard E., and David Zilberman. 1986. Does the law of supply hold under uncertainty? *The Economic Journal* 96(382): 514-524.
- 11- Robinson, Lindon J., and Peter J. Barry. 1987. *The Competitive Firm's Response to Risk*. New York: McMillan.
- 12- Ray, Parimal Kumar. 1967. *Agricultural Insurance: Principles and Organization and Application to Developing Countries*. London, UK: Pergamon Press.
- 13- Sankhayan, Prem Lall. 1988. *Introduction to the Economics of Agricultural Production*. New Delhi: Prentice-Hall of India Pvt. Ltd.
- 14- Williams, Jeffery R., Gordon L. Carriker, G. Art Barnaby, and Jayson K. Harper. 1993. Crop insurance and disaster assistance designs for wheat and grain sorghum. *American Journal of Agricultural Economics* 75(2): 435-447.



نویسندگان

نگین فلاح حقیقی،

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده‌ی اقتصاد و توسعه‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران
nfallah@gmail.com

دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی، دانشکده‌ی کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران؛
از وی کتاب *مقدمه‌ئی بر تحلیل و اندازه‌گیری بهره‌وری ترویج کشاورزی* و چندین نوشتار در
مجله‌های علمی-پژوهشی کشوری و جهانی چاپ شده‌است.

دکتر شاپور ظریفیان،

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه تهران
zarifian@ut.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی گیاه‌شناسی، دانشگاه تبریز؛ کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران؛
و دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه تهران؛
از وی نوشتارهای فراوانی در زمینه‌ی ترویج کشاورزی، سازمان‌های غیردولتی، و رهیافت‌های ترویج
کشاورزی در مجله‌های علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی چاپ شده‌است.